



عبدالله الکاتب الارجانی

به روایت مهدی مرعشی

تصویرگر: محمد فتاحی

www.ketab.ir

دبیر مجموعه: یوسف علیزایی
ویراستار: سیامک مجلسری
مدیر شهری و طرح گرافیک: علی پشته
طراح همکار: نیا فروزان
چاپ اول: ۱۳۹۱

برازن: ۱۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: کاو
قیمت: ۹۰۰۰ ریال
کتاب و نشر محفوظ است
ISBN: 978 600 57720 91 4
کتاب و نشر محفوظ است

فرامرز خاندانی

عبدالله الکاتب الأرجانی

به روایت مهدی مرعشی

تصویرگر: محمد فتاحی

سرشناسه:	مرعشی، مهدی، ۱۳۵۲- اقتباس کننده.
عنوان و نام پدیدآور:	سمک عیار / فرامرزین خداداد بن عبدالله الکاتب الارجانی، به روایت مهدی مرعشی، تصویرگر محمد فتاحی.
مشخصات نشر:	تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۰.
مشخصات فقهی:	۱۶۸ ص: مصور.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۳۳-۹۱۰-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فهرست نشده
فروست:	یکی بود یکی نبود
موضوعات:	ارجانی فرامرزین خداداد، قرن ۶ ق، سمک عیار، اقتباسها
موضوعات:	داستانهای فارسی، قرون ۱۳
شناسه افزوده:	ارجانی فرامرزین خداداد، قرن ۶ ق، سمک عیار
شناسه افزوده:	فتاحی، محمد، ۱۳۶۶- تصویرگر
رده‌بندی کنگره:	۶۲۰ س ۶۱۵ PIR ۸۰۰۲۰
رده‌بندی دبیوی:	۶۲
شماره کتبشناسی ملی:	۲۴۲۹۳۶۷



پارسه

شماره ۱۸۲ (ماضیان فروردین)،
 طبقه چهارم، واحد پانزده،
 خیابان ابوریحان،
 بین خیابان دانشگاه
 تهران، خیابان انقلاب،
 دفتر مرکزی:

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
 تلفن: ۶۶۴۰۶۳۶۰
www.parschbook.com
info@parschbook.com

دفتر فروش:
 پخش کتاب سبحان
 تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵



مجموعه یکی بود یکی نبود کتاب‌هایی را در برمی‌گیرد که به بازآفرینی قصه‌های مکتون کهن فارسی می‌پردازند و برای آشنایی گروه‌های مختلف سنی با آثار کهن دساتنی زبان و ادب فارسی است.

ادبیات کهن ما در حوزه مکتون دساتنی بسیار غنی، ارزشمند و دلپذیر است. بیشترین مکتون، که به قلم استادان برجسته زبان فارسی تصحیح شده‌اند، برای دانشجویان مقاطع مختلف و علاقه‌مندان به این گونه آثار قابل استفاده‌اند، ولی درک دشواری‌های این مکتون برای سایر علاقه‌مندان غیر تخصصی آنها بسیار مشکل است.

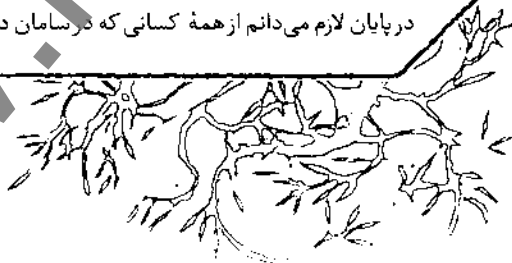
در کشورهای اروپایی «بازآفرینی ادبیات کلاسیک» مدت‌هاست آغاز شده و بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. «بازآفرینی»‌هایی که از آثار ویکتور هوگو، شکسپیر، چارلز دیکنز و حتی آثار کهنی از هومر و ویرژیل به عمل آمده، دست کم برای خوانندگان غیر تخصصی شناخته شده‌تر از خود مکتون اصلی هستند. سابقه «بازآفرینی» در زبان فارسی به دوران قاجاریه بازمی‌گردد، اما این «بازآفرینی‌ها» هیچ‌گاه به‌طور جدی و مستمر تداوم پیدا نکرده‌اند. دریغ است که جوانان، دانش‌آموزان، دانشجویان و سایر علاقه‌مندان ادبیات فارسی از داستان‌های کهنی که در این سرزمین به ما ارث رسیده‌اند، غافل بمانند.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه با توجه به این نیاز ادبی و فرهنگی و تأکید بر حفظ هویت و ویژگی‌های فرهنگی زبان فارسی، درصدد برآمد تا به‌طور جدی به تهیه مجموعه حاضر

بپردازد و اینک پس از یک سال و اندی مطالعه و تحقیق، کار انتشار مجموعه را آغاز می‌کند و سی اثر از این مجموعه به تدریج در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

خوشبختانه همکاران من در این طرح بسیار پیگیر و دقیق بوده‌اند. افزون بر نویسندگان آثار، که مجموعه حاضر بی‌شک حاصل عمل کرد آنان است، نخست باید از یوسف علی‌خانی یاد کنم که شکان دبیری مجموعه را عهده‌دار بود و هیچ‌گاه از جلسات و نشست‌های مشورتی و دیدارهای کاری این مجموعه ابراز خستگی نکرد. همچنین باید از گروه تصویرسازان و طراحان گرافیک به سرپرستی علی بخشی که با هنرمندی، جلوه خاصی به مجموعه حاضر بخشیدند، قدردانی کنم.

در پایان لازم می‌دانم از همه کسانی که در سامان دادن به این مجموعه سهیم بوده‌اند، سپاسگزاری کنم.



تصویر علی حسن
عبد نیکی با جمعه
کتابخانه

قصه اجداد قصه گوی ما



انسان ها غارنشین بودند. کلمه هنوز اختراع نشده بود تا بتوانند حرف بزنند. یکی از آنها ماجرای عجیبی دیده بود. به شکار رفته و گاومیشی به او حمله کرده بود. قبل از آنکه گاومیش را شکار کند، شیری حمله کرده و گاومیش را از پا درآورده بود. شیر هنوز نرفته، ماری آمده و شیر را نیش زده بود. هنوز مار نرفته، عقابی می آید و مار را به متقارمی میرد و به آسمان می برد و....

انسان اولیه کمی هم خیال پرداز بود. فکر کرد قصه جالبی شده و بهتر است برای بقیه تعریف کند، اما نمی دانست چطور این قصه را تعریف کند.

این انسان خوش ذوق سنگ تیزی پیدا کرد و روی سنگ های دیواره غار قصه اش را نقاشی کرد. دو سه روزی طول کشید تا کارش را تمام کند. معجزه شده بود چند روزی به شکار نرود. داشت از گرسنگی هلاک می شد که بقیه آمدند. همه دهان شان باز ماند. جلو رفتند و قصه را دیدند. به رسم تشکر از قصه گو، کمی گوشت شکار برای او آوردند.

از آن روز دیگر نگذاشتند به شکار بروند. به او فهماندند در غار بماند و قصه های دیگری بکشد.

مدتی که گذشت. کسان دیگری هم. که ماجراهای عجیب و غریبی دیدند. همین کار را کردند و کم کم آنهایی که قصه بلد بودند، ارج و قرب بیشتری پیدا کردند.

بعدها انسان کلمه را پیدا کرد. مثلاً وقتی پای نقاشی های سنگی ایستاده بود، کلمه ای

را برای تعریفش به کار برد و این طور شد که کلمه ها زیاد و زیادتر شدند و دیگر انسان به جای اینکه قصه هایش را روی سنگ و خاک بکشد، با کلمه گفت.

آن وقت آتش که روشن کردند و دور آن نشستند، یک نفر ماجرای را تعریف کرد. گاهی مردم را می خنداند و گاهی گریه آنها را درمی آورد. قصه گو یاد گرفته بود اگر ماجرای ساده ای را که در روز دیده بگوید، کسی به حرفش گوش نمی کند. برای همین خیال پردازی می کرد و به قصه هایش آب و تاب می داد.

بعد آدم ها از غارها آمدند به دشت و صحرا و کنار چشمه ها، کشاورزی و باغداری کردند. وقتی شب ها خسته می شدند، فکر می کردند چطور می توانند خستگی شان را در کنند. این بود که فرستادند سراغ کسی که بلد بود قصه بگوید.

بعد ها پدرها و مادر بزرگ ها قصه هایی از سفرهای شان تعریف کردند. مادرها و مادر بزرگ ها هم قصه های جن و پری و دیو و غول و دختر شاه پریان را تعریف کردند. و کمی که گذشت، مردم یاد گرفتند بنویسند.

چند نفری شروع کردند به جمع آوری قصه های عجیب و غریب. عده ای هم از خودشان قصه های عجیب و غریب نوشتند. این شد که کتاب های زیادی به جهان آمد.

حالا کتاب های زیادی در کتابخانه های جهان هستند و بعضی از این کتاب ها نوشته نویسنده ها و شاعران ایرانی است.

زبان مردم سال به سال، تغییر می کرد. نه اینکه ساده تر می شد، تغییر می کرد. بعضی کلمه ها حذف می شدند و کلمه های جدید می آمدند. شاید همان طور که ما زبان مردم قدیم را سخت می دانیم، اگر آنها زنده شوند و ببینند ما حالا این طور حرف می زنیم، خیلی تعجب کنند و بگویند: اینها عجب زبان دشواری دارند!

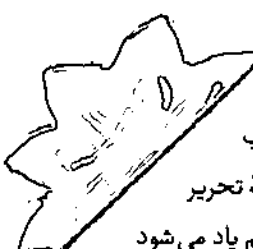
خلاصه اینکه کتاب های زیادی در ادبیات کهن ایران نوشته شده که شما قصه های آنها را در مجموعه «قصه های کهن فارسی» خواهید خواند....

قصه های مولوی را خوانده اید؟ قصه های شاهنامه فردوسی را چطور؟ قصه های هزار و یک شب؟ کلیله و دمنه و مرزبان نامه و تذکرة الاولیاء و منطق الطیر و جوامع الحکایات و تاریخ بهمن و ده ها کتاب دیگر فارسی هستند از قصه هایی که حیف است آنها را نخوانید و لذت نبرید.

خیلی از نویسنده های بزرگ خارجی از خواندن کتاب های قدیمی ما برای نوشتن الهام گرفته اند. مثل خورخه لوئیس بورخس، نویسنده آرژانتینی؛ مارسل پروست، نویسنده فرانسوی؛ ایتالو کالوینو، نویسنده ایتالیایی؛ ادگار آلن پو، نویسنده انگلیسی؛ جیمز جویس، نویسنده ایرلندی؛ گابریل گارسیا مارکز، نویسنده

کلمبایی و خیلی‌های دیگر که شاید اسم‌شان را هم نشنیده باشید، اما از نویسندگان معروف جهان هستند و کتاب‌های خوبی نوشته‌اند.
با این حال خودمان چقدر این کتاب‌ها را خوانده‌ایم و دیده‌ایم که چه قصه‌های عجیب و غریبی در کتاب‌های پدران و اجداد ما بوده است و آنها چه قصه‌هایی بلد بوده‌اند؟

کتابخانه
روشن علی‌خان
مجله
شماره ۱۳۳



سمک عیار اولین قصهٔ رمان گونه به زبان فارسی است که در سدهٔ ششم هجری به قلم فرامرز بن خداداد بن عبدالله کاتب ازجانی، که از دفتر خوانان قرن ششم هجری بوده، به رشتهٔ تحریر درآمده است. در خلال داستان‌ها از فردی به نام صدقه ابوالقاسم یاد می‌شود که گویا راوی داستان است.

ازجانی تاریخ شروع جمع‌آوری این داستان را روز سه‌شنبه، چهارم جمادی‌الاول سال ۵۸۵ قمری ذکر کرده است. از آنجا که بسیاری از شخصیت‌های اصلی داستان را افراد عادی تشکیل می‌دهند، زبان روایت در داستان بسیار صمیمی و دوست‌داشتنی است و به دلیل روایت زندگی طبقات مختلف جامعه، شامل اطلاعات بسیار دربارهٔ زندگی اجتماعی مردم ایران است. داستان زبانی قابل فهم برای عموم دارد و در عین حال به لحاظ ساختار زبانی بسیار استوار است.

شخصیت اصلی کتاب پهلوانی نام‌آور به نام سمک عیار است که طی ماجراهایی با خورشیدشاه سوگند برادری می‌خورد. قهرمان داستان پسر شاه حلب است که دلباختهٔ دختر قفقور شاه چین می‌شود و سپس به جنگ پادشاه چین می‌رود.

۱۹	دو برادر	۴۵
۲۳	سفر چین	۴۹
۲۷	قطران و آشک	۵۳
۳۱	قطران کجاست؟	۵۷
۳۵	در قلعه شاهک	۶۱
۳۹	در جستجوی مهربی	۶۷
	صدای روح افزای آمد	۷۱
	نقله سمک	۷۷
	بایدان ناخوش	۸۱
	خیانت مهران وزیر	۸۷
	در دره بغرابی	۹۱
	هالمان وزیر در چین	
	مهربی در قلعه فلکی	
	سمک و سرخ و رود	
	آزادی طلوعیه	
	کانون و خاطره	
	بطلوانی روزافزون	

بخش شاهان	۱۰۱
زندان سیاه آدم خوار	۱۰۲
جوانمردی شاهان	۱۱۱
شکست غورکوهی	۱۱۲
نقشه شمال پیل زور	۲
در چاه غورکوهی	۱۲۲
بایان مهربی	۱۲۳
آبان دخت	۱۳۵
ساح و خورشید شاه	۱۳۶
نامه ماهانه به خورشید شاه	۱۳۷
آبان دخت و پدر	۱۳۸
سک و روزافزون	۱۳۹
مکر ماهانه	۱۴۰
نجات فغفور شاه	۱۴۱
فتح روزگرجی	۱۴۲